

سالروز جهانی زن خجسته باد

روز ۸ مارس ۱۹۰۷، زنان کارگر کارخانه جات نساجی و روزندگی های نیویورک به منظور احقاق حقوق خود در زمینه شرایط کار و حق رای دست به اعتصاب زدند. جماعتاران کارفرما بسا حمله بسه صفوف اعتصاب کنندگان و نیز باتر کشیدن کارخانه بسیاری از زنان کارگر را مجروح کردند و بقتل رسانند در سال ۱۹۱۱ روز ۸ مارس روز هبستگسی بسا مبارزات زنان زحمتکس جهان اعلام گردید. از آن پس هر سال در چنین روزی زنان مبارز جهان بارزیابی مبارزات خود و دستآوردهای این مبارزات و چگونگی شکست ها و پیروزی ها مینشینند.

در طول سالهای دیکتاتوری پهلوی زنان ایران هر چند در همه جنبه های مبارزه درگیر بودند اما هرگز این مجال به آنان داده نشد که آشکارا این روز را بزرگ دارند. پس از سرنگونی رژیم پهلوی مقامات رسمی نه تنها این روز بزرگ را بعنوان روز جهانی زن نپذیرفتند بلکه به نفی آن همت گماشتند، اما تشکل های مبارز و مترقی زنان هر چند در سطحی نه چندان وسیع این روز را گرامی داشتند جای دارد اکنون پس از دو سال که از قیام قهرمانانه مردم ایران میگذرد، باز به ارزیابی مبارزات و مقاومت های خود و فرازونشیب آن بنشینیم آنچه غیر قابل انکار است این واقعیت است که زنان ایران در همه مبارزاتی که به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید نقشی چشم گیر داشتند. و بسا آنچه تردید نا پذیر است این واقعیت است که غلبرغم وعده های رنگارنگ مقامات مسئول پس از قیام زنان ایران نه تنها حق بدست نیاوردند بلکه حقوق نیم رنگی را هم که در سال های گذشته کسب کرده بودند یکباره از کف دادند. لفظ قانون نیم بنسب حمایت خانواده. تعدد زوجات و حق یک جانبه طلاق

را دوباره رسمیت بخشیدن، سلب حق قضاوت از زنان، تعطیل سن ازدواج، محدود کردن امکانات تحصیلی برای زنان شوهر دار، نفی حقوق برابر برای زن و مرد در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی، اعلام حجاب اجباری، اعمال سیاست تدریجی خانه نشین کردن زنان از طریق اخراج وسیع زنان کارمند و کارگر به بهانه های "مازاد، پاکسازی و..." اهانت به شخصیت انسانی زن در اطلاعیه ها، بخشنامه های دولتی و در محیط کار تحت عنوان مروجین فحشاء و فساد و همراه کنندگان جوانان تعطیل تدریجی و اعلام نشده مهد کودک ادارات و موسسات دولتی و کارخانه ها و بالاخره شاهکار حقوقی تدوین لایحه قصاص که نقطه اوج این روند قهقرائی است. ماهیت ضد دموکراتیک حاکمیت را به نمایش میگذارد.

مقاومتی که زنان ایران در برابر این اجحافات و زورگویی ها کردند در آغاز در سطح وسیع و بسی خود جوشی بوده، اما غلبرغم نوبائی جنبش مستقل زنان و فقدان سازمانی سراسری تشکل زنان تدریجا از سازماندهی نسبی برخوردار گردید. ولی به علت جو غیر دموکراتیک نیروی پراکنده زنان نتوانستند رجعت کسب پیروزی بکارگرفته شود و در سطحی پراکنده و محدود باقی ماند. بی تردید این مبارزات هم چنان ادامه خواهد داشت ولی آگاهی به ضعفها و آموختن از تجربیات گذشته میتواند و باید در خدمت از میتن برداشتن کبودها بکارگرفته شود.

زنان مبارز ایران بخواهی میدانند که حقوقی که در دو سال گذشته از آنان بطلب گردید و جهنمی که برای آنان ساخته شد تحت لوا و شمار "مقام والای زن" و "وعده بهشتی که زیر پای آنان است" صورت گرفت. پس همه کسانی که شمار آزادی و برابری

میدهند و در دفاع از حقوق محرومان سینه چسبان
میکنند، در ادعای خود صادق نیستند، چرا که
افراد و نیروها را بر اساس آنچه که میکنند بسایند
داوری کرد، نه آنچه که میگویند. آنان که در برابر
سلب حقوق مکرر از زنان سکوت کرده و چشم فرو
می‌بندند و یا به توجیه (عقیدتی) آن پرداخته
و سیاست مدارانه و ریاکارانه از کنار میگذرند هرگز
نمیتوانند مدافعان حقوق محرومان از جمله زنان
گردند، هر چند در مقاطعی خود را چنین جلوه
دهند.

زنان ما میدانند که برای جلوگیری از اتلاف
نیروی آنان و متمرکز کردن آن برای وحدت بخشیدن
به مبارزات آنها و سرانجام ایجاد تشکل سراسری
زنان بی تردید نیاز به زمان، نیرو و تلاش پیگیر
و تجربه‌ای بیس از آنچه هست دارد. زنان آگاه ما

به ویژه زنان شاغل که از دو سال گذشته از نظر حقوق
تحت بیشترین فشارها قرار گرفته اند. باید توجه
داشته باشند که برای جبران این کمبود بزرگ در راه
ایجاد تشکل سراسری که بتواند در راه احقاق حقوق
زنان مبارزه نماید باید خود اولین گامها را بر
دارند. باید خود این حقیقت را که زن نیز
شایسته حقوقی است در خور یک انسان آزاد. به
جامعه بقبولانند، چرا که مبارزات محرومان جهان
بدین کسستن بندهای گران زنان به پیروزی نخواهد
رسید.

" پیروز باد همبستگی زنان محروم جهان "

" پیس بسوی تشکل زنان محروم ایران "

اتحاد ملی زنان

اسفند ۱۳۵۹